

مشاغل، معاملات و احکام آن

تألیف:

آیت الله حاج سید احمد میر خانی (ره)

از انتشارات موسسه مکتب ولی عصر (عج)

سرشناسه	میرخانسی، سید احمد، ۱۳۹۰-۱۳۷۲.
عنوان و نام پدیدآور	مشاغل، معاملات و احکام آن / تألیف سید احمد میرخانسی.
مشخصات نشر	تهران: احسن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص.
شابک	۹۷-۹-۸۹۲۷-۹۶۴-۹۷۸: ۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	معاملات (فقه)
موضوع	کسب و کار (فقه)
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۱۳۵/۸۵/م BP۱۹۰
رده بندی دهلی	۳۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۲۸۲۹۹

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۷-۹۷-۹
ISBN 978-964-8927-97-9



انتشارات احسن
Publication Ahsan

نام کتاب: مشاغل، معاملات و احکام آن

- ◀ مؤلف: آیت الله حاج سیداحمد میرخانسی
- ◀ چاپ و صحافی: حمزه‌ای
- ◀ ناشر: انتشارات احسن
- ◀ تاریخ نشر: ۱۳۹۳، چاپ اول
- ◀ لیئوگرافی: راییدگرافیک
- ◀ طرح روی جلد: شهبازی
- ◀ صفحه آرای: رضاموکیلی

تهران: میدان انقلاب- ابتدای خ کارگر جنوبی - خ شهدای ژاندارمری شماره ۱۳۳ -
مجمع ناشران و کتابفروشان کوثر - طبقه زیرهمکف - شماره ۹
تلفن: ۶۶۹۶۶۹۲۱ - ۶۶۹۷۱۹۹۱

قیمت ۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۳
فصل اول - فضیلت تجارت.....	۱۹
تجارت موجب افزایش عقل است.....	۲۱
نباید برای تحصیل روزی کسل شد.....	۲۲
تخریص بر کار و کوشش در راه روزی حلال.....	۲۲
اسلام برای روزی حلال اصرار دارد.....	۲۲
اسلام و صنعت.....	۲۳
فصل دوم - در اقسام تجارت.....	۲۵
پول و دین هر دو لازم است.....	۳۱

نبايد اظهار بي چيزي نزد ديگران كرد.....	۳۲
فلسفه كسب هاي مكروه.....	۳۵
معاملات حرام.....	۳۶
نوع اول: مشروبات الكلي.....	۳۶
راه معامله آن.....	۳۷
علت حرم مشروبات الكلي در اسلام.....	۳۷
زيان هاي الكل نسبت به جان انسان.....	۴۰
امراض جهاز تنفسي.....	۴۰
دوران خون.....	۴۱
امراض قلبي.....	۴۱
بيماريهاي عصبي.....	۴۲
بيماريهاي مغزي.....	۴۲
گفتار ديگران درباره دين اسلام.....	۴۷
نوع دوم: خريد و فروش ميتة.....	۴۸
علت جايز نبودن معامله مردار.....	۵۳
نوع سوم: مايعات نجس.....	۵۵

علت سوزانیدن روغن نجس در زیر آسمان.....	۵۷
نوع چهارم: از معاملات نجس.....	۵۸
علت نجاست ادرار.....	۵۹
تفاوت ادرار در زن و مرد.....	۶۰
علت نجاست مدفوع.....	۶۲
نوع پنجم: سگ و خوک.....	۶۲
علت نجاست سگ و حرمت معامله آن.....	۶۳
علت سرایت امراض از سگ به انسان و راه معالجه آن.....	۶۸
علت نجاست خوک و جایز نبودن معامله آن.....	۷۱
زیان‌های معنوی و اخلاقی.....	۷۲
زیان‌های جسمی.....	۷۳
دوم از معاملات حرام: خرید و فروش مال دزدی.....	۷۷
خرید و فروش لقطه.....	۷۹
خرید و فروش املاک و اشیاء وقفی.....	۸۱
سوم از معاملات حرام: معامله چیزهایی که قابل انتفاع نیستند.....	۸۵
چهارم از معاملات حرام: خرید و فروش آلات موسیقی.....	۸۷

پنجم از معاملات حرام: غنا و آوازه خوانی.....	۸۸
علت حرمت غنا و موسیقی.....	۹۰
موسیقی از نظر علم روز.....	۹۱
تحولات اخلاقی خطرناک.....	۹۲
تضییع نیروی شنوایی.....	۹۳
ضعف اعصاب.....	۹۵
بیهوشی در اثر موسیقی.....	۹۶
تضییع حس باصره.....	۹۷
قسمتی از نوشته‌ها.....	۹۷
علل فشار خون.....	۹۹
موسیقی مسبب طلاق و جدایی است.....	۱۰۰
بلای خطرناک خوانندگی و آواز موجب سرطان گلو می‌شود.....	۱۰۰
خوانندگان ایرانی و سرطان گلو.....	۱۰۱
سکته و بیماریهای قلبی در تعقیب خوانندگان؛ نوازندگان و.....	۱۰۳
خطرات تلویزیون.....	۱۰۵
تلویزیون و سرطان.....	۱۰۶

تلویزیون و درد چشم.....	۱۰۷
ششم از معاملات حرام: فروش آلات جنگ به دشمنان.....	۱۰۸
هفتم از معاملات حرام: غش در معامله.....	۱۰۹
تقلب.....	۱۱۱
هشتم از معاملات حرام: قصد ضرر زدن به دیگری.....	۱۱۶
نهم از معاملات حرام: معاملات ربوی.....	۱۱۷
فصل سوم - کسب های حرامی که عمل آنها هم حرام است.....	۱۱۷
قسم اول: اعانت ظالمین.....	۱۱۸
قسم دوم: اجرت گرفتن در عوض عمل واجب.....	۱۲۳
قسم سوم: رشوه گرفتن.....	۱۲۶
قسم چهارم: قمار کردن.....	۱۲۷
زیان های گوناگون قمار از نظر شرع و اجتماع.....	۱۳۰
انواع و وسائل گوناگون قمار.....	۱۳۳
زیان های اجتماعی قمار.....	۱۳۴
زیان های ناموسی قمار.....	۱۳۴

قمار یا عامل بزرگ جنایت.....	۱۳۶
در خانواده‌های قمار بازان چه می‌گذرد؟.....	۱۳۸
اسلام چه می‌گوید؟.....	۱۴۰
صور چهار گانه قمار واحکام آن.....	۱۴۳
قمار از جهت قوانین کشورهای و کشور ایران.....	۱۴۶
قسم پنجم: سحر و جادو.....	۱۴۹
اسلام و علم نجوم.....	۱۵۷
چرا باید درباره نظم عالم فکر کرد؟.....	۱۵۹
علت تحریم علم نجوم.....	۱۶۰
قسم ششم: خرید و فروش کتب ضلال.....	۱۶۴
علت حرمت کتب ضلال و نگهداری آنها.....	۱۶۶
نتیجه خواندن مطالب گمراه کننده.....	۱۷۱
قسم هفتم: ساختن مجسمه و خرید و فروش آن.....	۱۷۲
قسم هشتم: حرمت آرایش بعضی از زنان.....	۱۷۵
قسم نهم: پول گرفتن در مقابل کارهای بی فایده.....	۱۷۶
قسم دهم: احتکار نمودن.....	۱۷۶

۱۷۸.....	چند خیر در مذمت احتکار.....
۱۷۸.....	فصل چهارم - در آداب تجارت.....
۱۸۰.....	عقوبت کسی که مال مردم را نهد و تأخیر بیندازد.....
۱۸۲.....	بدهکاری برای آدم دیندار عیب است.....
۱۸۳.....	پرداخت بدهی.....
۱۸۴.....	بدهکار را تحت فشار نباید گذاشت.....
۱۸۵.....	فروش اموال برای پرداخت بدهی.....
۱۸۶.....	دین مقدم بر ارث است.....
۱۹۱.....	خاتمه: در فضیلت زراعت و دامداری.....

بسم الله الرحمن الرحيم
و الصلوه و السلام على نبينا محمد و آله اجمعين

مقدمه

چون بر نظام آفرینش یا دیده حقیقت بین بنگریم خواهیم دید که خداوند قادر متعال اساس گردش عالم را روی کار قرار داده و سیر تکاملی که پایه زندگی و پیشرفت عالم روی آن بنا نهاده شده با کار و فعالیت هر یک از موجودات امکان پذیر می گردد. روی همین اصل است که در تمام عالم وجود ذره ای نیست که بیکار و عاطل و خمود باشد نه تنها موجودات زنده یعنی حیوانات و نباتات دائم در کار و فعالیتند بلکه جمادات هم در حرکتند و آنچه در عالم وجود است از ذره و الکترون و پروتون گرفته تا بزرگترین کرات این عالم که چند ملیارد برابر این زمین است در تکامل و حرکت می باشند.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

آری در چنین صحنه پر فعالیتی که حیات عالم وجود باشد فکر کنید اگر موجودی یافت شود که تن به بیکاری بسپارد و کار او فقط سعی به ادامه

حیات کثیف خود بوده هیچ توجهی به پیشرفت زندگی عالمی که خود از آنها بهره می‌برد نداشته باشد چقدر پست و زبون و قابل سرزنش است آن کسی که آن به آن و لحظه به لحظه از نتیجهٔ زحمت هزاران هزار موجود دیگر استفاده می‌کند ولی حاضر نیست که اندک استفاده‌ای از وجود او به دیگران برسد تا چه اندازه دون همت و کوتاه فکر است.

با در نظر گرفتن این اصول باید تصدیق کرد که تمام اموری که ناشی از اصل بالا یعنی استفاده نرساندن به عالم می‌شود اعم از بیکاری و تنبلی و گدائی و تکدی و غیره، همه در نهایت درجهٔ پستی هستند و در عالم خلقت مقام این اشخاص از صفر پست‌تر یعنی عدمشان از وجود بهتر است.

دین فطری اسلام که تمام اصول آن از روی طبیعت و حقیقت عالم وضع شده است و چیزی در عالم فطرت و طبیعت لازم برای زندگی بشر نیست که با نظر مسامحه نگریسته و از آن صرف‌نظر کرده باشد البته می‌بایستی در بارهٔ موضوع مهم کار دستورات جامع و بلند داشته باشد.

این احتیاج مبرم پایه‌های چندی دارد و یکی از آنها لزوم فطری است که شرح داده شد ولی اصول دیگری نیز در جامعهٔ بشری قبل از اسلام پیدا شده بود که می‌بایستی اسلام آنها را جبران نماید منجمهٔ اصل رهبانیت و کناره‌گیری از دنیا در مذهب مسیح بود که رهبانان و کشیشان عیسوی اساس دین خود را روی آن می‌پنداشتند و آنرا در جامعهٔ بشری رواج می‌دادند قهراً رواج این مرام بشر را به سوی فنا و نیستی می‌برد زیرا پر واضح است که خداوند متعال بشر را برای این جهان آفریده و باید در این جهان زندگی کند

و به کار مشغول باشد و اگر دین مسیح هم رهبانیت را امضاء کرد برای چند صباحی بود که مصلحت الهی اقتضاء می کرد نه تا دامنه قیامت مردم عالم رهبانیت را اختیار کنند. واقعاً اگر بنا بود همیشه مردم عالم مثل حضرت مسیح یکه و تنها در بیابانها زندگی کنند و از علف بیابانها ارتزاق نمایند آنقدری نیک گذشت که نسل بشریت از روی زمین قطع می شد پس ما می فهمیم که دین مسیح به درد همیشه مردم نمی خورد زیرا یکی از برنامه های آن ترک دنیا و رهبانیت است.

این بود که دین اسلام با دقت و نظم تخلف ناپذیر و صحیحی این اصول را تعدیل و میزان بندی کرد و از تفریط و رهبانیت کاست و مردم را به سوی امر معاش و تجارت و زندگی دنیا متوجه نمود و ضمناً از پرداختن به دنیا به طور افراطی جلوگیری کرد و بین این دو یک راه وسط و معتدلی که نگاهداری دنیا و آخرت بدون لطمه خوردن به یکی از این دو باشد رسم نمود و پیروان خود را با دستورات عملی به رفتن از این راه وسط تشویق کرد.

این نکته بزرگ فطری و طبیعی که در دین اسلام است قاعده‌ای بایستی مورد توجه عموم مردم باشد زیرا نکات آن به قدری واضح است که چون آفتاب هر کسی را به خود متوجه کرده و همه را از انوار جانبخش خویش بهره مند می سازد اما با نهایت تأسف باید اقرار کرد که در عصر ما بعضی از طبقات مردم مخصوصاً طبقه جوانان به قدری از حقایق و مبانی دین اسلام بی اطلاعند که حقیقتاً موجب شگفتی انسان می شود که چرا باید یک شخص

مسلمان اینقدر از مبانی دینی خود بی اطلاع باشد؟!!

بدبختی در اینجا است که نه تنها حقیقت از دیده‌ها پنهان است بلکه اموری خلاف حق در اذهان توسط تبلیغات دشمنان و بی‌خردان در نیم قرن اخیر پیدا شده که دین عزیز فطری اسلام را که جوهره آن با کار و فعالیت سرشته شده و تاریخ مشعشع آن شاهد عملی بزرگی بر این ادعا می‌باشد در نظر برخی اشخاص دین قدیمی و خمود و بی‌کاری و تنبلی نمودار شده و ظهور بعضی مردم پست و مهمل که قرآن را وسیله گدائی و دعا و حدیث را وسیله تکدی قرار داده‌اند شاهد زنده برای تشدید این نظریه غلط واقع گردیده است.

در چنین عصر و زمانی بی‌مبغین و گویندگان اسلامی لازم و واجب است که حقیقت دین اسلام را از زیر ابرهای تاریک بیرون آورده به عموم طبقات مردم نشان دهند که دین اسلام دین فعالیت و کار است و با روح تن‌پروری و گدائی مخالف است و خود وجود مبارک پیغمبر اسلام یک قسمت از دوران زندگی خود را به امر تجارت پرداخت و ثروت سرشاری از این راه به دست آورد.

اسلام پیروان خود را بسیار امر به کسب و تجارت فرموده ولی دستور داده که اول مسائل کسب را بیاموزند و پس از آن وارد تجارت شوند. امیرالمؤمنین علیه السلام بالای منبر سه مرتبه فرمود: ای تجارا! **الفقه ثم المتجر** یعنی اول حلال و حرام را یاد گیرید بعداً وارد امر تجارت شوید به خدا قسم که اثر ربا در این امت مخفی‌تر است از اثر راه رفتن مورچه بر

سنگ سخت. ای مردم ایمان خود را مخلوط کنید به راستی و درستی. تاجر فاجر است و فاجر در آتش است مگر اینکه حق بگیرد و حق بدهد. و نیز حضرتش فرمود: البته در بازار نشیند جز کسی که احکام معامله را یاد گرفته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اراده کسب و تجارت دارد باید مسائل دین خود را یاد بگیرد تا آنکه حلال را از حرام تشخیص بدهد و الا در مهلکه شبهات خواهد افتاد. بنا براین دانستید که اسلام با امر تجارت و جمع ثروت پیروان خود را اینک مخالفت ندارد بلکه شخص کناره گیر از امر تجارت را مذمت کرده و فرموده که دعای این گونه اشخاص به هدف اجابت نخواهد رسید.

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه نقل می کند از علی بن عبدالعزیز که از مسلمانان برجسته است که گفت حضرت صادق علیه السلام از حال عمر بن مسلم (که از تجار معروف بوده) از من پرسید عرض کردم که او دنیا را پشت پا زده و تجارت را ترک کرده در گوشه ای به عبادت مشغول شده و دست به دعا برداشته است. حضرت فرمود: وای بر او. آیا ندانسته که برای شخص بیکار دعائی مستجاب نمی شود؟ مردمانی از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله هنگام نزول آیه **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا** ﴿۱۰۰﴾ **وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** (۲/۶۵ و ۳) از کار دست کشیده و کسب و تجارت را ترک نموده در گوشه ای مشغول عبادت شدند و گفتند: خدا کریم است. همینکه این خبر به حضرت رسول ص رسید برای ایشان پیغام فرستاد که شما را که واداشته

به بیکاری؟ عرض کردند: چون خدا کفیل ارزاق ماست از این رو به عبادت پرداختیم. فرمود: آنکه چنین کند خداوند دعایش را مستجاب نکند. بر شما باد تجارت و طلب روزی.

در امثال فرانسوی هاست که می‌گویند عمل بر دعا ترجیح دارد مرد آن است که لب فرو بندد و بازو بگشاید.

پس شخص مسلمان جداً باید مشغول کسب و کار بشود و بیکاری و تن‌پروری را ترک کند ولی مطلبی که هست همانطور که در چند روایت فوق تذکر داده شد یاد گرفتن مسائل دین مخصوصاً مسائل راجع به تجارت و کسب بسیار لازم است چه اگر مسائل را نداند مال را از محل حرام پیدا می‌کند و خوردن چنین مالی گذشته از حرمت دنیای آن توفیقات را از انسان سلب کرده موفق به هیچ عمل خیری نخواهد شد.

لذا چند نفر از دوستان عزیز تذکر دادند که یک مقدار از وقت شب‌های سه شنبه صرف گفتن مسائل کسب و تجارت شود اگر چه چند سال قبل حقیر به جهت آنان یک دوره مسائل تجارت را گفته بودم ولی مفصل نبود و چون انسان با این مشغله روزانه‌ای که دارد نمی‌تواند همه فروع مسائل را در نظر داشته باشد و این گونه از مسائل هم در رسائل عملیه نیست لذا تصمیم بر آن شد که مسائل هر هفته نوشته شود و به افراد معدودی که در جلسات حاضر می‌شوند داده شود که پس از شنیدن و مطالعه آن نوشته، در اذهان آنان جایگیر شده و در موقع لزوم احتیاج به پرسش نداشته باشند.

ناگفته نماند که مسائل این کتاب مورد فتوای هیچ یک از مراجع فعلی

نیست چون آنان در باره این گونه مسائل در رسائل خود چیزی ذکر نکرده‌اند هر چه در این کتاب نوشته شده از کتب قدام است و در مسائل مورد اختلاف ذکر شده که در مسأله چند قول است. خواننده تکلیف خود را می‌داند که یا باید احتیاط کند و یا به مرجع و مجتهد خود رجوع کرده از او سؤال نماید. مثلاً در روغن نجس بعضی از فقهاء فرموده‌اند که فقط برای سوزانیدن در زیر آسمان ممکن است خرید و فروش شود ولی بعضی از فقهاء دیگر مانند آقا سید محمد کاظم یزدی می‌فرمایند: هر متنجسی که انتفاع آن مشروط به طهارت نیست مانند صابون ساختن از روغن نجس خرید و فروش آن جایز است.

پس خواننده می‌فهمد که یا باید احتیاط کرده روغن متنجس را برای غیر از سوختن خرید و فروش نکند و یا از مرجع تقلید خود بپرسد که برای سایر انتفاعات هم جایز است یا خیر؟
مسائل این کتاب در هفت باب که هر بابی دارای چند فصل است ذکر می‌شود.

باب اول - در تجارت

در این باب هفده فصل است که در هر فصلی مسایل مخصوصی راجع به آن فصل ذکر می‌گردد.

فصل اول - فضیلت تجارت

مقنن اسلام وجود مبارک نبی اکرم اهمیت تجارت و موقعیت تمول و